



تاریخ نگاری محلی و خط نویسی
در مصر دوره اسلامی
(قرن سوم تا دهم هجری / نهم تا شانزدهم میلادی)

دکتر مرتضی نورائی

مهناز شعر بافچی زاده



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۰

نورایی، مرتضی، ۱۳۴۰ -
تاریخ نگاری محلی و خطانویسی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری/ نهم تا شانزدهم
میلاادی) / مرتضی نورایی، مهناز شعرباغچی زاده. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
هشت. ۳۳۳ص. مصور، نقشه، جدول. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۹۱: تاریخ اسلام؛ ۴۰)
ISBN: 978-600-5486-38-4 بها: ۴۸۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۷۳] - ۲۸۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.
۱. تاریخ نویسی اسلامی - مصر. ۲. تاریخ نویسان اسلامی - مصر. الف. شعرباغچی زاده، مهناز، ۱۳۴۹ -
نویسنده همکار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۱۳۹۰ ۲ ت ۹ ن / DS ۳۵/۶۵ ۹۰۹/۰۹۷۶۷۱۰۹۶۲
شماره کتابشناسی ملی ۲۴۶۴۲۶۹



تاریخ نگاری محلی و خطانویسی در مصر دوره اسلامی
(قرن سوم تا دهم هجری/ نهم تا شانزدهم میلاادی)
مؤلف: دکتر مرتضی نورائی - مهناز شعرباغچی زاده
ویراستار: سعیدرضا علی عسکری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۹۱؛ تاریخ اسلام: ۴۰)
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۰۲۸۰۳۰۹۰،
ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلفان این اثر آقای دکتر مرتضی نورائی و خانم مهناز شعریانچی زاده تشکر و سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
مقدمه	۳

فصل اول: درآمدی بر تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی

۱-۱. توصیف واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی	۹
۱-۱-۱. خط	۹
۱-۱-۲. تاریخ‌نگاری محلی	۱۳
۱-۲-۱. فتوح	۱۵
۱-۲-۲. شرح حال مشاهیر محلی	۱۶
۱-۲-۳. خط‌نویسی	۱۷
۱-۲-۴. فضائل نویسی	۱۹
۱-۲-۵. مزارات نویسی	۲۱
۱-۲-۶. توصیف آثار و بناهای تاریخی	۲۲
۱-۲-۷. تاریخ شهری - خاندانی (تاریخ خانوادگی)	۲۲
۲-۱. پیدایش تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی و پیوند آن با علم حدیث	۲۳
۳-۱. زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش تاریخ‌های محلی و منابع خط در مصر دوره اسلامی	۲۸
۴-۱. معرفی، نقد و بررسی منابع و مطالعات	۳۱
۴-۱-۱. منابع دست اول (اصلی)	۳۱
۴-۱-۲. مطالعات	۳۴
۵-۱. نقش انواع نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی در جریان تاریخ‌نگاری محلی مصر دوره اسلامی	۴۸

فصل دوم: تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر

از قرن سوم هجری (نهم میلادی)، تا آغاز دوره فاطمیان (۳۵۸ ق / ۹۶۹ م)

۱-۱. ابن عبدالحکم قرشی	۵۳
۱-۲. فتوح مصر و اخبارها	۵۵

٦٣	٢-٢. ابن يونس مصرى
٦٣	١-٢-٢. تاريخ ابن يونس المصرى
٦٤	١-٢-٢. تاريخ المصريين
٦٦	٢-٢-٢. تاريخ الغرباء
٦٩	٢-٢-٢. العقيد فى تاريخ (أخبار) الصعيد
٦٩	٣-٢-٢. خطط مصر (فسطاط)
٧٠	٣-٢. ابو عمر كندى
٧٠	١-٣-٢. كتاب «الولاية والقضاة مصر»
٧٢	٢-٣-٢. خطط مصر (فسطاط)
٧٤	٣-٣-٢. أخبار مسجد أهل الراية الأعظم
٧٤	٤-٣-٢. كتاب الخندق والتراويح
٧٦	٤-٢. ابن كندى
٧٦	١-٤-٢. فضائل مصر
٧٧	٥-٢. ابن صباغ
٧٧	١-٥-٢. فضائل الاسكندرية

فصل سوم: تاريخ نگارى محلى و خطط نويسى در مصر دوره فاطمیان (٣٥٨-٥٦٧ق / ٩٦٩-١١٧١م)

٨٢	١-٣. ابن زولاق
٨٦	١-٣. فضائل مصر و أخبارها و خواصها
٩٦	٢-١-٣. خطط مصر
٩٨	٢-٣. ابوالقاسم بن عثمان بن غنائم خطيب
٩٨	١-٢-٣. العروس فى فضائل تبتیس
٩٨	٣-٣. محمد بن عبيدالله المسبجى
٩٨	١-٣-٣. أخبار مصر و فضائلها و عجائبها و... ..
١٠٠	٤-٣. ابو عبدالله قضاى
١٠٣	١-٤-٣. المختار فى ذكر الخطط والآثار
١٠٨	٥-٣. ابن بركات النحوى
١٠٨	١-٥-٣. خطط مصر (فسطاط)
١٠٩	٦-٣. ابوالصلت اندلسى
١١١	١-٦-٣. الرسالة المصرية

فصل چهارم: تاريخ نگارى محلى و خطط نويسى در مصر دوره ايوبى (٥٦٧-٦٤٨ق / ١١٧١-١٢٥٠م)

١١٨	١-٤. شريف جوانى
١١٨	١-٤. النقط بعجم ما أشكل من الخطط

- ١٢١ ٢-٤. المؤتمن ابوالمكارم
- ١٢١ ١-٢-٤. تاريخ الكنائس والأديرة
- ١٢٣ ٣-٤. ابن بشام تيّسى
- ١٢٣ ١-٣-٤. أنيس الجليس فى تاريخ (أخبار) التّيس
- ١٢٣ ٤-٤. موفق الدين بن عثمان
- ١٢٤ ١-٤-٤. مرشد الزّوار إلى قبور الأبرار
- ١٢٩ ٥-٤. عبداللطيف بغدادى
- ١٢٩ ١-٥-٤. الإفادة والاعتبار فى الأمور المشاهدة والحوادث المعاينة بأرض مصر
- ١٣٨ ٦-٤. محمد بن عبدالعزيز الإدريسى
- ١٣٨ ١-٦-٤. أنوار علوى الأجرام فى الكشف عن أسرار الاهرام
- ١٤٠ ٢-٦-٤. المفيد فى ذكر من دخل الصعيد
- ١٤١ ٧-٤. فخرالدين نابلسى
- ١٤٢ ١-٧-٤. تاريخ الفيوم و بلاده (اظهار صنعة الحىّ القيوم فى ترتيب بلاد الفيوم)
- ١٤٤ ٢-٧-٤. حسن السريرة فى اتخاذ الحصن بالجزيرة
- ١٤٥ ٨-٤. ابوالمظفر اسكندرانى
- ١٤٥ ١-٨-٤. الدرر السنيّة فى أخبار الاسكندرية (الدرّة السنيّة فى تاريخ الاسكندرية)

فصل پنجم: تاريخ نگارى محلى و خطط نویسى در مصر دوره ممالیک بحری (٦٤٨-٧٨٤ ق / ١٢٥٠-١٣٨٢ م)

- ١٤٩ ١-٥. ابن عبدالظاهر مصرى
- ١٤٩ ١-١-٥. الروضة البهية الزّاهرة فى خطط المعزّية القاهرة
- ١٤١ ٢-٥. ابن عين الفضلاء
- ١٤١ ١-٢-٥. مصباح الدياجى و غوث الزّاجى و كهف الألاجى
- ١٤٢ ٣-٥. ابن متوّج الزبيرى
- ١٤٢ ١-٣-٥. ايقاظ المتغفل و اتعاظ المتأمل فى الخطط
- ١٤٤ ٤-٥. أدفوى
- ١٤٤ ١-٤-٥. الطالع السعيد الجامع أسماء نجباء الصعيد
- ١٧١ ٥-٥. نوبرى اسكندرانى
- ١٧١ ١-٥-٥. تاريخ اسكندريه

فصل ششم: تاريخ نگارى محلى و خطط نویسى در مصر دوره ممالیک برجى (٧٨٤-٩٢٢ ق / ١٣٨٢-١٥١٧ م)

- ١٧٩ ١-٦. ابن دقماق العلائى
- ١٨٢ ١-١-٦. الانتصار لواسطة عقد الأمصار
- ١٩٥ ٢-٦. أوحدى
- ١٩٥ ١-٢-٦. خطط مصر والقاهرة

١٩٧	٣-٦. ابن الزيات الأزهرى
١٩٧	١-٣-٦. الكواكب السيارة فى ترتيب الزيارة فى القرافتين الكبرى والصغرى
١٩٩	٤-٦. تقى الدين مقرئى
٢٠٧	١-٤-٦. المواعظ والإعتبار فى ذكر الخطط والآثار
٢١٩	٢-٤-٦. عقد جواهر الأسفاط فى أخبار مدينة الفسطاط
٢١٩	٣-٤-٦. إغائة الأمة بكشف الغمة
٢٢٣	٥-٦. أقبغا الخاصكى
٢٢٣	١-٥-٦. التحفة الفاخرة فى ذكر رسوم خطوط القاهرة
٢٢٤	٦-٦. ابن ظهيرة المخزومى
٢٢٦	١-٦-٦. الفضائل الباهرة فى محاسن مصر والقاهرة
٢٤١	٧-٦. ابوحامد المقدسى
٢٤١	١-٧-٦. الفوائد النفيسة الباهرة فى بيان حكم شوارع القاهرة فى مذاهب الأئمة
٢٤١	الأربعة الزاهرة
٢٤١	٨-٦. نورالدين سخاوى حنفى
٢٤١	١-٨-٦. تحفة الأحباب و بغية الطلاب فى الخطط والمزارات والتراجم والبقاع المباركات
٢٤٩	٩-٦. ابن جيعان
٢٥١	١-٩-٦. التحفة السنّية بأسماء البلاد المصرية
٢٥٣	١٠-٦. جلال الدين سيوطى
٢٥٦	١-١٠-٦. حسن المحاضرة فى أخبار مصر والقاهرة
٢٥٩	كلام آخر
٢٦٩	واژهها و اصطلاحات تاريخى و جغرافيايى
٢٧٣	منابع و مأخذ
٢٨٥	نمايهها
٣١٩	پيوستها

پیشگفتار

سرزمین مصر از مناطق قابل توجه جهان اسلام است که گذشته‌ای پرفراز و نشیب و هویت فرهنگی و تمدنی اصیلی دارد. یکی از مظاهر بارز تمدن اسلامی آن، سنت غنی تاریخ‌نگاری محلی است که در این اثر از آن بحث می‌شود.

تازگی و بدیع بودن موضوع تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری/نهم تا شانزدهم میلادی) و نبود کتابی مدون، مستقل و مشروح به زبان فارسی در این زمینه، ایجاب نمود که به مطالعه و تحقیق در این باب پرداخته شود.

در واقع، کتاب حاضر به منظور پر نمودن خلأ مباحث خط‌نویسی و دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری محلی در عرصه مطالعات مکتب‌های تاریخ‌نگاری جهان اسلام و مصر در محافل علمی ایران، تألیف شده است.

در این اثر سعی شده که فرایند این‌گونه تاریخ‌نگاری در مصر از آغاز پیدایش و روند تکامل آن بررسی و ارزیابی شود؛ بدین منظور شاخصه‌ها و ویژگی‌های این سنت در هر دوره بازسازی و تبیین گردید. در واقع شیوه و سبک خاصی که مورخان محلی و خط‌نویسان در مصر دوره اسلامی در پدید آوردن آثارشان به کار برده‌اند به ایجاد مکتب تاریخ‌نگاری محلی ممتاز و منحصر به فردی منجر شده که آگاهی از آن با بررسی کردن تاریخ‌های محلی، به‌ویژه منابع خطی در دوره‌های مختلف تاریخی مصر اسلامی حاصل می‌شود.

بر خود لازم می‌دانیم از مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که اسباب نشر این اثر را فراهم کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از تلاش‌های بسیار سرکار خانم دکتر فاطمه جان‌احمدی، جناب آقای دکتر محمدعلی کاظم‌بیگی و جناب آقای دکتر عبدالله

ناصری طاهری که در شکل‌گیری و مراحل نخستین این اثر راهنمایی‌های فراوانی نمودند سپاسگزار باشیم. در اینجا از گروه تاریخ دانشگاه الزهراء علیها السلام که زمینه‌ساز انجام این پژوهش بود، تشکر می‌کنیم. همچنین از آقای مهندس هادی بخشایش که طراحی جلد^۱ را بر عهده داشتند سپاسگزاریم.

دکتر مرتضی نورائی
مهنز شعر بافچی زاده

۱. طرح روی جلد، چشم‌اندازی قدیمی از شهر قاهره، از جنوب به شمال است که اهرام ثلاثه نیز در کرانه غربی رود نیل دیده می‌شود.

مقدمه

سنت تاریخ‌نگاری محلی، یکی از ارکان و گونه‌های اصیل و قانونمند تاریخ‌نگاری است که در حال حاضر از جایگاه و اهمیت قابل توجهی نزد مورخان نسل جدید، برخوردار شده و نگاه مکاتب تاریخ‌نگاری غربی و شرقی را به خویش جلب کرده است. افزون بر این، از نیمهٔ دوم قرن بیستم، شمار بسیاری از فلاسفه و نظریه‌پردازان تاریخ به ارائه نظریه‌های علمی در مورد این منظر از تاریخ‌نگاری پرداخته‌اند و حتی دانشکده‌ها و کارگاه‌های متعدد تاریخ محلی در نقاط مختلف دنیا برای آموزش سازوکارهای تاریخ‌نگاری محلی، آشنایی با اندیشه‌های نظریه‌پردازان تاریخ‌نگاری محلی و رشد و تداوم و گسترش آن پدیده، تأسیس شده است.

تاریخ‌نگاری محلی که سنت ریشه‌داری در تاریخ‌نگاری اسلامی دارد و از قدمت و اصالت ویژه‌ای نیز برخوردار است، همواره مورد توجه و اهتمام شمار بسیاری از مورخان مسلمان قرار داشته و تاریخ‌های محلی متنوع و متعددی درباره شهرهای مختلف جهان اسلام، از جمله شهرها و پایتخت‌های مصر در دوره‌های گوناگون تاریخی به نگارش درآمده است.

سرزمین مصر که از تاریخی پرفراز و نشیب، هویت فرهنگی، تمدنی اصیل و تشخص جغرافیایی برخوردار بوده است، با فتح عربی-اسلامی آن از سال بیستم هجری و پس از آن، به لحاظ سیاسی به یکی از پایگاه‌های استراتژیک تبدیل شد و از جهت فکری، فرهنگی و تمدنی به تدریج ویژگی‌های اسلامی یافت.

از همان قرن‌های نخستین اسلامی، اساس و شالوده مکتب تاریخی و تاریخ‌نگاری خاصی بر مبنای فرهنگ اسلامی در مصر، پایه‌گذاری شد که در قرن‌های بعد رشد

چشم‌گیری یافت. در این کتاب تاریخ‌نگاری محلی به عنوان یکی از مظاهر اصلی مکتب تاریخ‌نگاری مصر مورد توجه است. افزون بر این، مصر دوره اسلامی - که خاستگاه نگارش نخستین تاریخ‌های محلی جهان اسلام است - به دلیل قانونمندی، استمرار و تداوم سنت تاریخ‌نگاری محلی در آن، که در قالب یک جریان و فرایند فکری و علمی قابل ملاحظه و ارزیابی است، آفریننده مکتب تاریخ‌نگاری محلی غنی و اصیلی است که به «خط‌نویسی» شهرت دارد. بنابراین، جهت بازنمایی موقعیت این سنت، در این نوشته، بررسی زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری خط‌نویسی در قرن سوم هجری، چگونگی تداوم و دگرگونی و استمرار آن جریان در طی قرن‌های مختلف و در نهایت تکامل و شکوفایی و رونق آن در قرن نهم هجری مورد توجه و تحقیق قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر اساس این کتاب بر آگاهی از میراث خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری) استوار است. در حقیقت، هدف آن است که ضمن معرفی، ارزیابی، مقایسه و تعمق در تاریخ‌های محلی - که به طور عمده مبتنی بر خط می‌باشند - فراز و فرود آن جریان تبیین گردد و اصول، قواعد و شاخصه‌های آن در هر دوره‌ای ارائه شود.

با توجه به موضوع تحقیق، نگارش در این باره، به طور عمده به معنای نشان دادن سیر پیدایش، دگرگونی و تکامل مفهوم تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در اندیشه و برداشت تاریخ‌نگاران محلی در مصر دوره یاد شده است، به طوری که شیوه نگارش تاریخ محلی و اصول و چشم‌اندازهای این نوع نگارش تاریخ، از منظر هر کدام از آنها بررسی خواهد شد. به سخن دیگر، این کتاب درصدد است تا با رویکردی توصیفی و تحلیلی، این بُعد از تاریخ‌نگاری در مصر دوره اسلامی و دیدگاه پدیدآورندگان آنها را در ارائه اطلاعات و آگاهی‌های محلی - منطقه‌ای و انعکاس چشم‌اندازهای متنوع تاریخ‌نگاری محلی، شناسایی، بررسی و ارزیابی کند و در نهایت به تصویر واقعی جریان تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی دست یابد. از این رو، هرگونه آگاهی از این جریان مستلزم بررسی تاریخ‌های محلی و پدیدآورندگان آنها در هر دوره است.

شیوه نگارش این کتاب بر این مبناست که هر خطی به طور مستقل و تا حد امکان به لحاظ مؤلفه‌های ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

۱. تبیین شرح حال و شخصیت و موقعیت اجتماعی پدیدآورندگان آثار (تیپ‌شناسی

مورخان محلی)؛

۲. توصیف و تحلیل کامل محتوا و بیان ساختار و شیوه تبویب و تنظیم موضوعی و توالی زمانی آثار؛
 ۳. تبیین چشم‌اندازهای تاریخ‌نگاری محلی آثار (اطلاعات محلی و منطقه‌ای آنها)؛
 ۴. شیوه و سبک و سیاق مورخان در نگارش و تدوین تاریخ‌های محلی؛
 ۵. تحول سبک و روش مورخان هر دوره به‌طور مستقل؛
 ۶. گستره و پراکندگی مکانی (جغرافیایی) و زمانی محتوای آثار؛
 ۷. استنادات، منابع و شیوه‌های کسب خبر مورخان (اخبار، منابع شفاهی، سلسله‌راویان، مشاهده عینی، مطالعه میدانی، روایات و منابع مکتوب نسل‌های گذشته و گاه معاصرشان و دسترسی بر اسناد و مدارک اداری و دیوانی و...)
 ۸. رویکرد مورخان (توصیفی و روایی، تحلیلی، تطبیقی)؛
 ۹. قالبی که هر مورخ اثر خود را بدان صورت شکل داده است (خط‌نگارانه، وقایع‌نگارانه، تراجم‌نگارانه)؛
 ۱۰. خلاقیت، نوآوری‌ها و دست‌آوردهای جدید مورخان در ارائه اطلاعات محلی؛
 ۱۱. تأثیرپذیری هر مورخ محلی از مورخان معاصر و گذشته خود؛
 ۱۲. مرجعیت هر کدام از تواریخ محلی و جایگاه آنها در بین مورخان نسل‌ها و دوره‌های بعد؛
 ۱۳. بررسی کارکردها و شاخصه‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری آن آثار و تأثیر و نقش و سهم هر کدام از مورخان از یک سو در ترسیم سیمای پایتخت‌ها و شهرهای مختلف مصر و از سوی دیگر در فرایند تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی.
- افزون بر این، برای پاسخ به این پرسش اساسی که کدام‌یک از چشم‌اندازهای تاریخ محلی در مصر دوره اسلامی در اولویت بوده یا بیشترین مصداق را داشته است؛ بر کمیّت و کیفیت جلوه‌های متنوع تاریخ‌نگاری محلی توجه می‌شود که در تاریخ‌های محلی مصر دوره اسلامی با موضوعات ذیل مشخص و ارزیابی می‌گردد: فتوحات اسلامی شهرها، فضائل و محاسن محلی و تفاخرات بومی، برپایی و تأسیس شهرهای جدید اسلامی و توصیف خطّ اولیه آنها و نحوه استقرار قبائل و اقوام مختلف در خطّه‌ها و محله‌های آنها، توصیف و تعیین موقعیت آثار و بناهای باستانی و اسلامی، شرح حال صاحب‌منصبان سیاسی و قضایی، اعیان، نام‌آوران و مشاهیر علمی، فرهنگی و مذهبی محل یا منطقه‌ای خاص اعم از بومیان و

بیگانگان و تأثیر آنها در بافت فکری، فرهنگی و اجتماعی آن، توصیف مزارات و آرامگاه‌ها و گورستان‌ها، اطلاعات جغرافیای اقلیمی منطقه‌ای خاص نحوه و چگونگی پیدایش شهرها، آداب و رسوم محلی، جشن‌ها و اعیاد باستانی و اسلامی و نحوه برگزاری آنها در شهرها و مناطق مختلف، غذاهای محلی و طرز تهیه آنها، آمار جمعیتی شهرها و روستاها، سنت‌های پزشکی و طبی محلی، بیماری‌های فصلی و بومی شهرها و مناطق مختلف، داروهای گیاهی هر محل و کاربرد آنها، محصولات کشاورزی و صنعتی شهرها، تجارت و بازرگانی (صادرات و واردات کالاهای تولیدی شهرها و مناطق)، صنایع، مشاغل، حرفه‌ها و اصناف محلی و وضعیت و شیوه معیشت توده مردم، اخبار و رخداد‌های مربوط به یک محل یا منطقه اعم از وقوع جنگ، قحطی و خشکسالی، سیل و طغیان رودها، زلزله، وبا، طاعون و دیگر بیماری‌های واگیردار و پیامدهای آن، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در زندگی اقشار مختلف محلی به‌ویژه توده مردم و واکنش آنان به آن بحران‌ها، ویرانی و آبادانی شهرها و روستاها، فرقه‌ها و اقلیت‌های سیاسی، اجتماعی، فکری، دینی و مذهبی و گرایش‌های محلی و موارد دیگر که انبوهی از اطلاعات محلی-منطقه‌ای را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مالی، اداری و دیوانی، جغرافیایی، فکری و فرهنگی، مذهبی، مردم‌شناسی، عمرانی، شهرسازی، معماری، باستان‌شناسی، تبارشناسی، علم‌انساب و موارد دیگر بیان می‌کند.

ساختار محتوایی این کتاب در قالب پیشگفتار، مقدمه، شش فصل، کلام آخر، واژه‌ها و اصطلاحات تاریخی و جغرافیایی، منابع و مأخذ و پیوست‌ها - که شامل پنج فهرست از تاریخ‌های محلی و آثار خط‌مصر به تفکیک دوره‌های تاریخی و نقشه‌هایی از سرزمین مصر و شهرهای فسطاط، قاهره و قلعة الجبل می‌باشد - تنظیم و تدوین شده است.

فصل اول با عنوان «درآمدی بر تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی» به توصیف واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی؛ پیدایش تاریخ‌نگاری محلی و زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش تاریخ‌های محلی و منابع خط؛ معرفی، نقد و بررسی منابع و مطالعات و نقش انواع نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی در جریان تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی می‌پردازد.

آنگاه از فصل دوم تا پایان فصل ششم به ترتیب به آگاهی از میراث و جریان تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر قرن سوم هجری تا آغاز دوره فاطمیان، دوره فاطمیان، دوره

ایوبی، دوره ممالیک بحری و دوره ممالیک برجی اختصاص دارد. در کلام آخر نیز به ارزیابی، کارکردها و شاخصه‌های جریان تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی پرداخته می‌شود.

با توجه به این اصل که دست‌آورد فکری تاریخ‌نگاران محلی، ارائه آگاهی‌های محلی / منطقه‌ای و ترسیم چهره فرهنگی، عمرانی، تمدنی، اقتصادی و اجتماعی شهرها و مناطق مختلف است، تاریخ‌نگاری محلی را می‌توان جزئی مهم از ارکان حیات فرهنگی جوامع به شمار آورد و سهم ویژه‌ای برای آن و پدیدآورندگان آن در نظر گرفت.

شایان ذکر است که دست‌آورد اصلی کتاب حاضر، درک و شناخت جریان تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی و اثبات این فرضیه است که «خط‌نویسی» بارزترین گونه یا چشم‌انداز تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری) است و در واقع تاریخ‌نگاری محلی در مصر از منظر خط‌نویسی معنا و مفهوم می‌یابد.

فصل اول

درآمدی بر تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی

۱-۱. توصیف واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی

۱-۱-۱. خطط

خطط واژه‌ای عربی و جمع «خطّة» است. در تعریف خطّة چنین آمده است: «قطعه زمین یا خانه‌ای است که مسلمانان با اجازه حاکم خویش، در زمین غیر مملوکه آباد و بنا می‌کنند و آن را محل سکناى خویش قرار می‌دهند، نظیر آنچه در عصر فتوح اسلامی با کوفه، بصره، بغداد و [فسطاط] کردند».^۱ به بیانی دیگر «زمینی است که انسان، پیش از آنکه کسی وارد آن شده باشد، در آن فرود آید و ساکن گردد». «و قد خطها لنفسه خطاً و اختطها و هو أن يعلم علیها علامة بالخط لیعلم أنه قد اختارها لیبنیها داراً؛ با دست نشانه‌هایی در زمین ایجاد کرد تا دانسته شود که آن را برای خویش برگزیده و قصد دارد در آن خانه بنا کند».^۲ در کشف الظنون، ذیل خطط مصر آمده است: «و آن جمع خطّه و به معنای محله یا قطعه زمینی [ملکی] است که تعیین حدود و نشانه‌گذاری شده باشد».^۳

مقریزی نیز درباره معنای خطّه این‌گونه آورده است: «معروف است که خطّه، قطعه زمینی است که انسان در آن سکونت اختیار می‌کند. معنای آن محله‌ای است که به هنگام بنا و آبادانی شهرهای جدید، قبیله‌ای یا صاحبان یک حرفه خاص یا طایفه‌ای از مردم در آن ساکن می‌شدند و آن محله به آنها اختصاص می‌یافت».^۴

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۵، ص ۲؛ ابن منظور، لسان العرب المحيط، ج ۲، ص ۸۵۸.

۲. زبیدی، همان، ج ۵، ص ۱۳۰؛ لوئیس معلوف، المنجد فی اللّغة، ص ۱۸۳.

۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۹۲. ۴. مقریزی، المواعظ، ج ۱، ص ۲۹۶.

شایان توجه است که ایجاد خطط در مصر دوره اسلامی با فتح آن و استقرار قبائل جنگجوی عرب در منطقه‌ای نو بنیاد به نام **فسطاط**^۱ و **جیزه**^۲ به صورت همزمان از سال بیستم هجری آغاز گردید. عمرو بن عاص فاتح مصر و سردار سپاه عرب، برای هر کدام از قبائل یا چند قبیله با یکدیگر، خطه‌ای را اختصاص داد که به نام یکی از همان قبیله‌ها شناخته می‌شد. این خطط به طور کلی اطراف مسجد جامع و دارالاماره‌ای که عمرو بن عاص در فسطاط بنا نمود، پدیدار شدند و به تدریج توسعه یافتند.^۳ بدین ترتیب خطه‌های مختلف در کنار یکدیگر زمینه تشکیل نخستین شهر عربی-اسلامی را در مصر فراهم آوردند. از سوی دیگر ایجاد خطط، تنوع طوائف و قبائل عربی و در حقیقت روند یکجانشین شدن اعراب را نشان می‌دهد. با تأسیس شهر «القطائع» در نزدیکی غرب فسطاط به دست احمد بن طولون - بنیانگذار سلسله طولونیان - در نیمه قرن سوم هجری ساختار جدیدی در نظام شهری مصر به وجود آمد. وی القطائع - پایتخت حکومتش - را به صورت چندین «قطیعه» یا بخش تشکیل داد و بردگان و لشکریان و غلامانش را در آنها ساکن نمود و برای هر طایفه‌ای یک «قطیعه» قرار داد.^۴ با وجود این، شهر فسطاط در این دوره اهمیت و رونق خود را حفظ کرد و قطیعه‌های شهر القطائع نیز در کنار خطط فسطاط قرار گرفتند و پایتخت نوینی را با نظام اداری جدید ایجاد کردند.^۵

با فتح مصر از سوی فاطمیان اسماعیلی مذهب و ورود آنها به مصر به فرماندهی **جوهر سیسیلی** در سال ۳۵۸ ق / ۹۶۸ م و تأسیس شهر جدید «قاهره» توسط او به عنوان پایتخت خلفای فاطمی و محل استقرار نظامیان فاطمی که از مغرب به مصر آمده بودند، مرحله جدیدی در زمینه ساختار شهری آغاز شد. با استقرار فاطمیان در قاهره، اصطلاح جدید «حارّة» - که در تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی مصر حائز اهمیت است - در آثار و نوشته‌های مورخان خطط مصر پدیدار شد که تا قبل از تأسیس شهر قاهره و بنیان نهادن

۱. نخستین مرکز اسلامی در مصر که به دنبال فتح آن در سال ۲۰ هجری به عنوان محلی برای استقرار فاتحان و پایگاهی برای رهبری و اداره مصر از طریق ایجاد خطط در همان محل اولیه استقرار سپاهیان فاتح و خیمه‌هایشان از سوی عمرو بن عاص در ساحل شرقی رود نیل تأسیس گردید و به تدریج به شهری بزرگ تبدیل شد (ر.ک: ابن عبدالحکم، فتوح مصر و أخبارها، ص ۱۸۹-۲۳۲).

۲. شهری مقابل فسطاط که در ساحل غربی نیل واقع شده بود و بین فسطاط و جیزه، آب فاصله انداخته بود (همان، ص ۲۳۲).

۳. همان، ص ۱۸۹-۲۴.

۴. همان، ج ۳، مقدمه محقق، ص ۳۷.

۵. مفریزی، المواعظ، ج ۲، ص ۸۱-۸۵.

دولت فاطمیان در مصر در آثار هیچ‌یک از مورخان وجود نداشت. اما پس از آن به تدریج مورخان خطط از این اصطلاح برای توصیف و بیان بخش‌های مختلف مناطق مسکونی مشهور که به نام قبائل و گروه‌های مختلف لشکریان (فاتحان) فاطمی ساکن در آن بود مانند: حازة كتامة، حازة زويلة، حازة برقية، حازة باطلية، حازة الروم البرانية و حازة الروم الجوانية استفاده کردند. هر «حازة» در قاهره مثل هر «خطة» در فسطاط و هر «قطیعه» در القطائع، به اسم جماعت یا قبیله یا خاندانی که ساکن آن بود، نامگذاری و بدان معروف می‌شد. علاوه بر این با گسترش شهر قاهره و پیوستن نیروهای جدید به امامان فاطمی نظیر ترک‌ها، دیلمیان، سودانیان و...، و افزایش تعداد حازات، عنوان «حازة» بر سکونتگاه‌هایی که خارج از دیوارهای شهر پدیدار شدند نیز اطلاق شد.^۱

سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، قدیمی‌ترین اثر مکتوبی است که حازات (محلات) قاهره را در دوره فاطمیان توصیف کرده است. وی که در سال ۴۳۹ق / ۱۰۴۷م از قاهره دیدن نموده است، به بیان حازات ده‌گانه قاهره در آن دوره می‌پردازد و برای «حازة» تعبیر «محله» را به کار برده و می‌گوید: «شهر قاهره دارای ده محله است و آنها (فاطمیان) محله را حازة می‌گویند».^۲ ابن حوقل نیز، در توصیف شهر «بلرم» که قصبه سسیلی بوده است، به حازات آن اشاره می‌کند.^۳ علاوه بر این، دو واژه «حازة» و «حومه» بیشتر در مغرب و اندلس به معنی «الربض» یا محله‌ها و خانه‌های گرداگرد شهر به کار برده می‌شدند و نیز به معنی «أحیاء» (جمع حی) یا محله‌های داخل شهر بودند. پس با این توضیحات تصور می‌شود که جوهر سسیلی – فرمانده سپاه فاطمیان و مؤسس شهر قاهره – از شیوه و سبک شهرسازی و اصطلاحات خاص مغربیان – که در حین فتوحات و سکونت فاطمیان در مغرب با آن آشنا شده بود – پیروی کرده و آن اصطلاح را به کار برده است. به تدریج در این شهر جدید، پیرامون قصر خلیفه، حازات مختلفی ایجاد و مشهور شد و بالطبع، تاریخ‌نگارانی که درباره شهر قاهره کتابی تألیف می‌کردند؛ استفاده فراوانی از این اصطلاح بردند.^۴

۱. همان، ص ۴۱.

۲. قبادیانی، سفرنامه، ص ۸۸.

۳. ابن حوقل، صورة الأرض، ص ۱۱۸.

4. J. C. Garcin, "Toponymie et Topographie Urbains Medievales a Fustat et Caire", *Journal of the Economic and Social History of the Orient (JESH)*, p.124;

به نقل از: مقریزی، المواعظ، ج ۳، مقدمه محقق، ص ۳۸.

شایان ذکر است، مورخی چون ابن‌الظاهر (م ۶۹۲ق / ۱۲۹۲م) - که از مورخان و خط‌نویسان قاهره است - بر این موضوع اذعان دارد که بر «خطّه» در قاهره، واژه «حارّة» اطلاق می‌شود. سپس کلام خود را چنین ادامه می‌دهد: «هنگامی که فرمانده جوهر، قاهره را بنیان نهاد، برای هر قبیله، خطّه‌ای تعیین نمود که به نام آنها شهرت یافت».^۱ این مطلب را بیشتر مورخان پس از او نیز نقل کرده‌اند.^۲

با این حال مورخی چون ابن‌دقماق (م ۸۰۹ق / ۱۴۰۶م) به حارّات قاهره، همان اصطلاح خطط را که در فسطاط به کار برده می‌شد، اطلاق می‌کرد.^۳

برای درک بهتر معنای حارّة، مقریزی تنها مورخ خطط در قرن نهم هجری است که به تعریفی از آن در آغاز عهد فاطمیان و توصیف حارّات قاهره در زمان خودش پرداخته است. او در ارائه این تعریف به کتاب المحکم والمجیط الأعظم اثر «ابن سیده»، زبان‌شناس اندلسی که در قرن پنجم هجری می‌زیسته، استناد کرده است. ابن سیده در تعریف حارّة چنین می‌گوید: «الحارّة کل محلّة دنت منازلهم والمحلّة منزل القوم».^۴

به علاوه، مقریزی یادآور می‌شود «همانا خططی که در شهر فسطاط مصر بود به منزله حارّاتی است که امروزه در قاهره است. در مصر (فسطاط) به آن خطّه و در قاهره، حارّة گفته می‌شود».^۵ افزون بر این، وی آنگاه که به ذکر قطائع ابن‌طولون می‌رسد می‌گوید: «هر قطیعه که محل سکونت گروهی یا طایفه‌ای بود، به منزله حارّاتی است که در قاهره می‌باشد».^۶

از توصیفات مقریزی آشکار می‌شود که میان مفهوم، شکل و ظاهر مناطق مسکونی (خطّه، قطیعه و حارّة) که در فسطاط، قطائع و قاهره ایجاد شده بود تفاوت چندانی وجود ندارد.^۷

با گذشت زمان، و به تدریج مفهوم و شکل حارّة در قاهره، تغییر و دگرگونی یافت. به طوری که با تأسیس سلسله‌های ایوبی و سپس ممالیک در مصر و انتقال مرکز حکومت از

۱. ابن‌الظاهر مصری، الروضة البهیة الزاهرة فی خطط المعزیة القاهرة، ص ۱۶.

۲. دواداری، کنز الدرر و جامع الغرر، ج ۶، ص ۱۴۰؛ ابن‌دقماق علائی، الانتصار لواسطة عقد الأمصار، ج ۵، ص ۳۶؛

مقریزی، المواعظ، ج ۳، ص ۱۰؛ ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۳۷.

۳. ابن‌دقماق علائی، الانتصار لواسطة عقد الأمصار، ج ۵، ص ۳۷.

۴. مقریزی، المواعظ، ج ۳، ص ۳. ۵. همان، ج ۲، ص ۳۲.

۶. همان، ص ۸۱. ۷. همان، ج ۳، ص ۴۲.

قاهره - که در اوج رونق تجاری و اقتصادی بود - به «قلعة الجبل» (پایتخت ایوبیان و سپس ممالیک) اصطلاح جدیدی به نام «خُطّ» که جمع آن «أخطاط» است در ساختار شهری به وجود آمد که به عقیده ایمن فوآد سید، هر «خُطّ» شماری از حازّات قاهره دوران فاطمی را به هم پیوند می‌داد. با این حال اصطلاح حازّه، کاملاً از بین نرفت، بلکه فقط، تغییر و تحولاتی در آن ایجاد شد و أخطاطِ دوره ایوبیان و ممالیک جای حازّات را گرفت. اما واژه «حازّه» همچنان اهمیت خود را در قرن‌های مختلف حفظ کرد به گونه‌ای که «جومار»، مصرشناس معاصر، می‌گوید:

محلّه‌های شهر قاهره، پنجاه و سه محلّه بود و هر کدام از آنها با واژه «حازّه» آغاز می‌شد و هر حازّه به اسم اقوام مختلف و صاحبان انواع صنعت‌ها و حرفه‌ها و تاجرانی که در آنها اقامت داشتند یا منسوب به مؤسسه‌ها و نهادهای اصلی موجود در آنها بودند، شناخته می‌شد.^۱

با وجود تغییر و تحولاتی که در ساختار لغوی و اصطلاحی خطط، متناسب با نظام عمرانی پایتخت‌های مصر در دوره‌های مختلف اسلامی رخ داد، بار معنایی حاصل از خططِ فسطاط، قطیعه‌های القطائع طولونی، حازّات قاهره و أخطاط دوره ایوبیان و ممالیک در مصر، یکسان است.

۱-۲. تاریخ‌نگاری محلی

اصطلاح «تاریخ‌نگاری محلی» از جمله مفاهیم فنی و تخصصی در تاریخ‌نگاری نوین است که می‌توان با مشاهده شواهد و مصداق‌های متعدد آن در تاریخ‌نگاری اسلامی آن را این‌چنین تعریف نمود: «تاریخ‌نگاری محلی یکی از صورت‌ها و شکل‌های اصلی تاریخ‌نگاری اسلامی است که سنت ریشه‌داری در ادبیات تاریخی-اسلامی دارد و در مقایسه با دیگر گونه‌ها و انواع قانونمند نوشته‌های تاریخی، از تنوع شکلی (صوری) و محتوایی منحصر به فردی برخوردار است».^۲ چنان‌که گام نهادن در این بخش از تاریخ‌نگاری، آزادی عمل بیشتری به مورخ می‌دهد. اگرچه تاریخ‌نگاران محلی باید لزوماً کار خود را تحت حوزه جغرافیایی خاصی درآورند - و این تنها محدودیت تاریخ‌نگاران محلی است -

۱. جومار، وصف مدینة القاهرة و قلعة الجبل، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۱، ص ۱۷۳.

اما به لحاظ گستره و تنوع موضوعی، حیطة عمل آنها برای پژوهش در عرصه‌های مختلف، باز است.

«فرانتس روزنتال» که از طلّیعه‌داران پژوهش در شناخت گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری اسلامی است، بر این باور است که در همه ادوار، اشتغال به تاریخ یکی از راه‌های مطلوب بیان ادبی و آگاهی گروهی بوده است. افزون بر این، تمامی گروه‌های مختلف مردمی که در قلمرو اسلام سکنا داشتند، وابستگی محکمی را که میان انسان و محل تولدش رابطه ایجاد می‌کند، احساس و بیان کرده‌اند. به علاوه، بخش بسیاری از نخستین تواریخ محلی اسلامی از ملاحظات دینی-فقهی نشأت می‌گرفت. ولی در پس مباحث دانشمندان، مفاخره محلی وطن دوستی وجود داشت.^۱

تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک محل یا موقعیت جغرافیایی (شهر، ایالت یا ناحیه) اطلاق می‌گردد، بدان‌گونه که امروزه ذیل تاریخ ملی قرار می‌گیرد. بدون تردید هر کدام از تاریخ‌های محلی با عرصه جغرافیایی مشخصی رابطه دارند و عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند، بلکه همه این عناصر در مرتبه پس از عامل جغرافیایی قرار می‌گیرند. پس نخستین عامل در تاریخ‌نگاری محلی، محل و موقعیت جغرافیایی رخدادها و وقایع است.^۲ از سویی دیگر تاریخ‌های محلی بیش از هرگونه دیگر از تاریخ‌نگاری با اوضاع و احوال جغرافیایی سرزمین‌ها سروکار دارند. در واقع به دلیل رابطه مستقیم و تنگاتنگ رخدادهای محلی با شرایط طبیعی و جغرافیایی می‌توان تواریخ محلی را با مفهوم تاریخ طبیعی نزدیک دانست. به همین جهت در مقدمه‌های این آثار، تشریح اوضاع جغرافیایی و تأثیر آن بر تکوین تاریخ محلی یک سرزمین و نیز توپونومی^۳ - یعنی علم شناخت وجه تسمیه نام‌های جغرافیایی - حتماً مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادامه نیز باید گفت، تاریخ محلی چیزی نیست جز شناسنامه رخدادهای یک ناحیه که بر تشریح چگونگی معیشت و اوضاع اقتصادی و بیان فهرست آبادی‌ها و مؤسسات فرهنگی، علمی، اقتصادی، دفاعی، آموزشی، دینی و مانند آنها متکی است؛^۴ به بیان دیگر، تاریخ‌نگاری محلی، نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است

۱. همان‌جا.

۲. خیراندیش، «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۱۰-۱۱، ص ۳.

3. Toponomy

۴. همان، ص ۴.

که اطلاعات جامعی درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، سرگذشت اعیان، مشاهیر و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاه‌ها و بناها و ویژگی‌های جغرافیایی، عمرانی، اجتماعی و اقتصادی آنها دارند. در برخی تاریخ‌های محلی، اطلاعاتی وجود دارد که نمی‌توان آنها را در تاریخ‌های عمومی و یا سلسله‌ای یافت. از آنجا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع یا نحل از تاریخ‌نگاری بود؛ بنابراین، وجود افسانه و روایت‌های اغراق‌آمیز در آنها برای بزرگ‌نمایی شهر یا منطقه، بسیار است.^۱

برخی موضوعات و گونه‌ها یا چشم‌اندازهای اصلی تاریخ‌نگاری محلی که به‌طور کلی در همه قلمرو جهان اسلام و از جمله سرزمین مصر، مصداق یا مصداق‌هایی دارد؛ عبارت است از: بیان چگونگی فتح شهرها، شرح حال مشاهیر محلی، خط‌نویسی، فضائل و محاسن نویسی، مزارات‌نویسی، توصیف وقایع و رخدادهای محلی، توصیف آثار و بناهای تاریخی (قدیم و جدید) در یک محل و تاریخ شهری-خاندانی (تاریخ خانوادگی).

۱-۱-۲. فتوح

مبحث فتوح اسلامی شهرها و پیامدهای آن از چشم‌اندازهای اصلی در تاریخ‌نگاری محلی است؛ اما اینکه چرا تاریخ‌نگاران به توصیف فتوح شهرها و سرزمین‌های مختلف می‌پرداختند، دلایل متعددی داشته است. در واقع، انگیزه تألیف این‌گونه نوشته‌ها - که اطلاعات مفیدی درباره حوادث و وقایع اوایل فتوح اسلامی در آنها مندرج است - ظاهراً تدوین اطلاعات در مورد کیفیت فتح بلاد و سرزمین‌ها بوده است تا در مورد گرفتن و جمع‌آوری انواع مالیات، اعم از خراج و جزیه، اساس و زمینه موثقی در دست باشد.

از سوی دیگر، از آنجا که فتح شهرها با شیوه مالیات‌گیری ارتباط مستقیمی داشت و در این باره به موجب احکام و قوانین اسلامی، بر حسب آنکه شهری به صلح و یا با جنگ گشوده شده باشد، حکم خراج، تفاوت داشته است.^۲ مسئله تدوین فتوح شهرها و ولایات، امر بسیار مهمی بوده است؛ در نتیجه مورخان و محدثان قرن‌های نخستین اسلامی و حتی سده‌های بعد به تدوین فتوح می‌پرداختند و یا مأمور به نگارش می‌شدند. علاوه بر

۱. آژند، «سیری در تاریخ‌نگاری محلی در ایران»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۹۸، ص ۴۸-۵۱.

۲. زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۸.

این، موضوع تقسیم غنایم، واگذاری املاک خالصه و تیول و مسائلی از این قبیل، موضوعاتی بودند که علاوه بر امیران، فقیهان را نیز در آن دخالت می‌داد و در نتیجه آگاهی یافتن از وضع شهرها، ده‌ها و راه‌ها، از جمله مسائل واجب دینی مسلمانان شده است.^۱

دلیل دیگر در پرداختن به فتوح شهرها و ولایات، این نکته بوده است که مورخان و یا محدثان یک محل، قصد نشان دادن قدمت ورود اسلام را در دیار خویش داشته‌اند و می‌خواستند به نوعی برای زادگاه خویش فضیلت‌سازی نمایند.

روزنتال، درباره فتوح، بر این عقیده است که موضوعی تاریخی است که می‌توانست در تنوع تاریخ‌نگاری محلی سهمی بزرگ ادا کند، اما تنها در حد محدودی در این زمینه عمل کرد. اگر این موضوع نظر علمای پیشین را به خود معطوف داشت، به این دلیل علمی بود که تاریخ فتوح اسلامی برای فقیهان سوابقی فراهم آورد که براساس آن توانایی تعیین اوضاع مالی و اداری ناحیه‌ای خاص را به دست می‌آوردند. هر چند، علاوه بر آن، مقدار معینی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی را نیز در بر داشت. در واقع آنچه تحول تاریخ فتوح اسلامی به آن نیاز داشت، گزینش مواد مناسب از یک ناحیه خاص و افزودن اطلاعات تاریخی در مورد دوران پیش از اسلام و تاریخ سیاسی و اداری آن ناحیه پس از اسلام بود. در قرن سوم هجری ابن‌عبدالحکم، در کتاب فتوح مصر و اخبارها چنین گامی برداشت و کتابش دست‌آوردی از تاریخ‌نگاری محلی و اقلیمی به شمار می‌آمد که به‌راستی در هیچ جای دیگر نظیر آن وجود نداشت. هر چند تاریخ‌نگاران اندلسی و مصری در دوره‌های بعد به موضوع فتوحات اسلامی در شهرهای مختلف سرزمین خود پرداختند و یک بخش و یا کل اثر خود را بدان اختصاص دادند.^۲

۱-۲-۲. شرح حال مشاهیر محلی

توصیف شرح حال (سرگذشت) مشاهیر محلی اعم از بومیان و بیگانگان که به شناخت و آگاهی از تأثیر، نقش و جایگاه آنها در موقعیت و بافت مذهبی، علمی-فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناطق مختلف منجر می‌شود، گونه‌ای دیگر از تاریخ‌نگاری محلی است. در مصر این دوره می‌توان مصداق‌هایی نظیر تاریخ ابن‌یونس المصری، العقید فی تاریخ الصعید،

۱. زیدان، تاریخ تمدن در اسلام، ص ۵۰۷.

۲. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۱، ص ۱۸۷.

الطالع السعيد الجامع أسماء نجباء الصعيد و موارد دیگر را نام برد. در بسیاری از تاریخ شهرها معمولاً مقدمه‌ای شامل مطالب جغرافیایی مربوط به وضع اقلیمی آن شهر وجود دارد و باقی کتاب سرگذشت مشاهیر محلی است.^۱

۱-۲-۳. خطط‌نویسی

یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای تاریخ‌نگاری محلی در مصر دوره اسلامی «خطط‌نویسی» است. واژه «خطط» علاوه بر اینکه جمع واژه «خطّة» است، در اصطلاح و عرف تاریخ‌نگاری به کتاب‌ها و نوشته‌هایی که به تاریخ پیدایش و تحول و توصیف و تشریح خطط یک محل یا شهر پرداخته‌اند نیز، اطلاق می‌شود. کتاب‌ها و آثار خطط که به عقیده کراچکوفسکی، نوعی از نوشته‌های جغرافیایی-اقلیمی است، به توصیف شهرها و پایتخت‌ها به ترتیب محلات و ناحیه‌ها اختصاص دارد. همچنین وی تاریخ تدوین قدیمی‌ترین اثر در حیطه خطط‌نویسی را نیمه قرن سوم هجری در مصر، یعنی کتاب فتوح مصر و أخبارها نوشته ابن عبدالحکم، می‌داند.^۲ به سخن دیگر «خطط رشته‌ای است که با دین، نقشه‌نگاری، تاریخ و جغرافیا پیوستگی دارد و در مصر دوره اسلامی رونق فراوان داشته است».^۳

در آثار خطط برای هر خطّه، کوچه و محله (حارّه) و برای خانه‌های هر خطّه، تاریخ وجود دارد. تغییر و تحول در نام محله‌ها و بافت عمرانی آنها نیز در این نوع نوشته‌ها می‌آید.^۴

در واقع خطط‌نویسی، شاخه‌ای یا گونه‌ای از تاریخ‌نگاری محلی-منطقه‌ای در مصر دوره اسلامی است که با توجهات ویژه‌ای دنبال شد و مورخان خطط، یک بخش یا کل اثر خویش را بدان اختصاص داده، به توصیف و ترسیم سیمای شهرها بر مبنای خطط آن شهرها پرداخته‌اند. افزون بر این، آثار خطط، کتاب‌هایی هستند که به بررسی و تشریح بخش‌ها یا محله‌هایی می‌پردازد که صاحبان حرفه‌های مختلف یا یک خاندان خاص و یا یک یا چند قبیله با یکدیگر در آنجا زندگی می‌کردند و ساکن بودند. به علاوه، در این‌گونه نوشته‌ها، موقعیت خطّه‌های مختلف نسبت به یکدیگر و نحوه تقسیم‌بندی خطّه‌ها در میان قبائل و

۱. کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۱۳۴.

۲. همان‌جا. ۳. همان، ص ۳۸۵.

۴. المحامی، أسماء و مسمیات من تاریخ مصر - القاهرة، ص ۲۴.

خاندان‌ها و توصیف منازل، مساکن، مساجد، جامع‌ها و دیگر عمارت‌های آنها، مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

به سخن دیگر، موضوع علم خطط‌نویسی در ابتدای پیدایش فقط به معرفی و توصیف مختصر خطط شهرها و نخستین پایتخت مصر اسلامی، یعنی شهر فسطاط به ترتیب کوجه‌ها و محله‌ها و نواحی مسکونی، توزیع خطه‌ها بین قبائل، طوائف، خاندان‌ها، اقوام و نژادهای مختلف در مناطق جدید و نامگذاری هر خطه به نام آنها و نحوه استقرار آنها و نیز به خرید و فروش خطه‌ها اختصاص داشت، ولی به تدریج و با رونق این چشم‌انداز در تاریخ‌نگاری محلی، خطط‌نویسی به بیان تغییر و تحولات در ساختار عمرانی شهرها و پایتخت‌های مصر و گسترش خطط، حازات و اخطاط آنها و شناسایی و تعیین موقعیت و نشانی و علائم آنها در شهر یا پایتخت و توصیف دقیق بناها و آثار محلی واقع در آنها نظیر مسجدها، جامع‌ها، قصرها، مزارها و مقبره‌ها، کنیسه‌ها، قلعه‌ها، دروازه‌های کوچک و بزرگ، حمام‌ها، میدان‌ها، کاروانسراها، بازارها، خانقاه‌ها و زاویه‌ها، مؤسسات آموزشی و دینی، همچون مدرسه‌ها و بیان معماری بیرونی و درونی آنها می‌پرداخت.

افزون بر این، ایمن فوآد سید در مقدمه مسوذة المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار، خطط‌نگاری یا فن و هنر نگارش خطط (توپوگرافی) را نوعی از جغرافیای تاریخی-اقلیمی می‌داند و بر این باور است که این فن از آن جهت که مقدمه و پیش‌درآمدی بر نگارش تاریخ شهرهای اسلامی بوده، در تاریخ‌نگاری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. وی مصداق‌هایی در حیطة و چارچوب توصیف خطط‌نگاران شهرها از جمله تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی، تاریخ دمشق نوشته ابن عساکر و الأعلاق الخطیرة فی ذکر الامراء الشام والجزیره نوشته ابن شداد را نام می‌برد. علاوه بر این وی پیدایش و رشد و تکامل فن نگارش خطط را مخصوص مصر دوره اسلامی دانسته و برجسته‌ترین مثال آن را اثر ارزشمند مقریزی، یعنی المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار معرفی می‌کند.^۲

در واقع این‌گونه تاریخ شهرها که مبتنی بر توصیف محلات و کوجه‌هاست در نوشته‌های اسلامی-عربی، بسیار رواج یافت و غالب شهرهای بزرگ جهان اسلام، مورخی در این زمینه داشت.^۳

۱. ابن عبدالحکم، فتوح مصر و أخبارها، ص ۱۸۹-۲۴۳.

۲. مقریزی، مسوذة المواعظ والاعتبار، ص ۶.

۳. کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۱۳۳.

بنابراین، نگارش خطط، فنی مستقل و منحصر به فرد در ادبیات تاریخ‌نگاری مصر دوره اسلامی است؛ زیرا آفریننده و ادامه‌دهنده این نوع نگارش تاریخی، مورخان مصری بودند که تبصر و مهارت آنها از قرن سوم هجری تا دوره معاصر در این‌گونه از ادب تاریخی، جایگاهی ویژه و ممتاز دارد.^۱

در واقع خطط‌نویسی که هم با جغرافیای تاریخی و اقلیمی و ساختار عمرانی شهرها و هم با تاریخ اجتماعی و اداری محل‌ها مرتبط است در تاریخ‌نگاری محلی مصر، مصداق‌های متعدد دارد.

گفتنی است، نخستین خطط‌نویسان که به توصیف خطط شهر فسطاط اهتمام نموده‌اند، آثار خود را با عنوان خطط مصر نگاشته‌اند. زیرا فسطاط را در قرون اولیه اسلام «مصر» می‌نامیدند که به معنی شهر نظامی بود. از دوران صلاح‌الدین ایوبی نیز فسطاط و قاهره به تدریج به هم متصل شدند و آن دو را با هم مصر و القاهره می‌خواندند و مورخان خطط، آثار خود را با عنوان خطط مصر والقاهره می‌نگاشتند. بعد از مدتی و او بین آن دو برداشته و به آن مصر القاهره گفته شد. بعد از ویرانی شهر فسطاط، تنها شهر قاهره بیان می‌شد.^۲

۱-۲-۴. فضائل نویسی

در پی فتوحات اسلامی، چشم‌انداز قابل توجه دیگری که در تاریخ‌نگاری محلی مطرح شد، بیان فضائل، محاسن، مناقب، مآثر و اوصاف شهرها و نواحی و اهالی آن با استناد به آیات قرآنی و احادیث و روایت‌های نبوی و تاریخ قدمت ورود اسلام و صحابه پیامبر ﷺ در آنها بود که به وسیله تاریخ‌نگاران محلی دوره‌های مختلف اسلامی مطرح شده است. از جمله مصداق‌های این رشته در تاریخ‌نگاری محلی در مصر، که ریشه در قرن‌های اول و دوم هجری داشت می‌توان از بخش اول فتوح مصر و اخبارها، فضائل مصر نوشته عمر بن محمد بن یوسف الکندی، فضائل مصر المحروسة از ابو عمر محمد بن یوسف ابن‌کندی، فضائل مصر و اخبارها و خواصها از ابن زولاق، فضائل الاسکندریة اثر ابو علی حسن بن عمر بن حسن صبّاغ، الفضائل الباهرة فی محاسن مصر والقاهرة از ابن ظهیرة و موارد دیگر نام برد.

۱. عنان، مصر الاسلامیة و تاریخ المخطوط المصریة، ص ۵؛ المحامی، أسماء و مسمیات من تاریخ مصر - القاهره، ص ۸؛ Cahen, "Khitat", *EI*, vol. IV, p. 22.

۲. زیدان، تاریخ تمدن در اسلام، ص ۹۵۷.

در قرن‌های آغازین اسلام، فضائل‌نویسی صبغه دینی به خود گرفت و بیشتر به مکان‌های مقدس چون مکه، مدینه، بیت‌المقدس، شام، مصر و یمن و همچنین به زندگانی پیامبر ﷺ توجه داشت، اما به تدریج مطالب این فضائل‌نویسی رنگ دنیوی گرفت و در جاهایی چون بصره و به دنبال آن شهرهای معروف نمایان شد و فضائل آنها به صورت گفتارهای منقول درآمد که نه تنها مورد توجه محدثان و فقیهان قرار گرفت، بلکه حکیمان و سخنوران نیز به رواج و انتشار آن پرداختند به طوری که گاه عبارت‌های بلیغ و نکات جالب و عجیب، بیشتر از درستی و واقعیت در آنها مورد توجه بود. علاوه بر این به تدریج در کنار فضائل، مثالب (عیب‌ها) نیز جایی پیدا کرد.^۱

به سخن دیگر، تا قرن پنجم هجری، آثار فضائل‌نویسی در بردارنده بحث‌های مفاخره‌آمیزی بود که به شیوه مقایسه‌ای بین دو شهر انجام می‌گرفت، اما به تدریج تطوّر یافت و از آیات قرآنی و احادیث نبوی برای مدح شهر مورد مفاخره و ذمّ و عیب‌جویی شهر مقابل استفاده می‌شد.^۲

افزون بر این، به ندرت کل یک تاریخ محلی درباره فضائل یک محل و بیان محاسن حاکمان، امیران و اندیشمندان و اهالی آن، آب و هوا و خاک، رودها و کوه‌ها و محصولات و کالاها، پل‌ها، بناها و عمارت‌های متعدد آن است. به طور کلی، تاریخ‌نگاران محلی دوره اسلامی در آغاز تألیفات خود با شیوه‌ای مختصر، به فضائل و محاسن شهر یا منطقه مورد نظر خویش پرداخته‌اند.

به عقیده روزنتال، کتاب‌های فضائل در ستایش محلی خاص، به منزله شکلی ناقص از تاریخ‌نگاری محلی دینی به شمار می‌آید. تا قرن پنجم هجری، واژه فضائل یا خواص (به ترتیب به معنای کیفیت‌های قابل ستایش و صفات خاص) که همراه نام شهر یا اقلیمی به کار می‌رفت، دالّ بر آثاری بود که تنها مقدار محدودی اطلاعات تاریخی دربر داشت و به ویژگی‌های ظاهری و جغرافیایی ستودنی آن شهر یا اقلیم و برتری‌های ساکنان آن می‌پرداخت. افزون بر این، مسئله پیشرفت‌ها و عقب ماندگی‌های آن شهرها اغلب، موضوع رقابت ادبی میان دو محل بود. بعدها، عنوان فضائل، عموماً به تکنگاشتهایی اطلاق می‌شد که در آنها مجموعه‌ای از آیات قرآنی، احادیث و منابع مورد اعتماد و مربوط به

۱. کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۴۷.

۲. آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۱۵۸.

ستایش محلی خاص وجود داشت، مطالبی که مشابه آن در مقدمه‌های تواریخ محلی، نیز یافت می‌شود. بنابراین، این نوع از نوشته‌های تاریخی را می‌توان گونه‌ای از تاریخ‌نگاری محلی به شمار آورد. با آنکه فضائل‌نویسی، جلوه دیگری از دلبستگی به تقسیمات اقلیمی است که اغلب با نتیجه‌هایی نه چندان مطلوب، بر جریان تاریخ اسلام مؤثر واقع شده، اما به عنوان یکی از پربرترین رشته‌های تاریخ‌نگاری در اسلام به‌ویژه بُعد محلی آن، سهمی ادا نمود.^۱

۱-۲-۵. مزارات‌نویسی

تدوین دائرةالمعارف‌گونه مزارها، گورستان‌ها و مکان‌های زیارتی، چشم‌انداز دیگری از تاریخ‌نگاری محلی، با رویکردی مذهبی و فرهنگی است. به لحاظ تاریخ شهرنشینی کتاب‌های مزارات که در اصل برای تعیین محل دقیق مزارها و بقعه‌ها و راهنمایی زائران نگاشته شده؛ از این جهت اهمیت داشته است که وجود قبرهای دانشمندان، عارفان و اولیا، عاملی برای حفاظت شهر از آفات و بلیات انسانی و آسمانی و طبیعی به شمار می‌آمد. شاهد این مدعا این است که در مقدمه بیشتر کتاب‌های تاریخ‌های محلی مانند فضائل بلخ،^۲ به خاصیت حضور قبرهای صالحان برای حفظ شهر اشاره و تأکید شده است. افزون بر این، بیشتر گورستان‌هایی که در آن بزرگان مدفون بودند از اسباب ماندگاری شهرها بوده است.^۳ بنابراین می‌توان ایجاد شهرها و مناطق مقدس و زیارتی را به واسطه وجود امام‌زاده‌ها و مشاهد اولیای دین، موضوع قابل بررسی دیگری در تاریخ‌نگاری محلی دانست که به تیپ‌شناسی زائران، شغل‌ها و حرفه‌های ویژه اماکن زیارتی، کالاها و سوغات آنها می‌پردازد. با مطالعه تاریخ‌های محلی از نوع کتاب‌های مزارات، می‌توان درباره خطه‌های زیارتی و تعیین موقعیت دقیق آنها، هویت و اصالت صاحبان قبرها (دانشمندان، عارفان، مردان سیاسی، نظامی، دینی و توده مردم) آگاهی یافت. همین‌طور، درباره نوع سنگ قبرها، و معماری انواع بقعه‌ها و آرامگاه‌های فردی و خانوادگی در دوره‌های زمانی متفاوت، انواع

۱. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۲. فضائل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر در حدود سال ۶۱۰ق به عربی است که در سال ۶۷۷ق به فارسی برگردانده شد و تاریخی است درباره شهر بلخ و مسجدها، مدرسه‌ها، سلاطین و سکنه آنجا.

۳. خیراندیش، «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۱۰-۱۱، ص ۷.

خطوط و کتیبه‌های حک شده بر روی سنگ قبرها و بناها، مصالح و تزیین‌های هنری آنها، از جمله گچ‌بری و کاشی‌کاری حاوی اطلاعاتی هستند که مخاطب خویش را با زوایایی از تاریخ اجتماعی، اقتصادی، هنری و فرهنگی و حتی مذهبی و علمی یک محل در برهه‌های زمانی مختلفی، آشنا می‌کنند.

گفتنی است در مصر دوره اسلامی نیز، مزارات شاخه‌ای مهم از تاریخ‌نگاری محلی به شمار می‌آید. بارزترین ترجمان این ادعا آثار متعددی از جمله: مرشد الزوار الی قبور الأبرار، الكواكب السيارة فی ترتیب الزيارة فی القرافتین الكبرى والصغرى، تحفة الأحباب و بغیة الطلاب فی الخطط والمزارات والتراجم البقاع المبارکات است که در این آثار به خطط شهرهای فسطاط و قاهره نیز پرداخته شده است.

۱-۲-۶. توصیف آثار و بناهای تاریخی

توصیف آثار و بناهای تاریخی باستانی و معاصر (قدیم و جدید) در یک محل و بیان سرگذشت و توصیف معماری آنها در طول قرن‌های مختلف و عقاید و باورهای توده مردم درباره آنها، چشم‌انداز دیگری از تاریخ‌نگاری محلی است که برخی تاریخ‌نگاران محلی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری) یک بخش یا کل اثر خود را بدین موضوع اختصاص داده‌اند. از جمله این مورخان و آثارشان در این باره می‌توان از عبداللطیف بغدادی مؤلف الافادة والاعتبار فی الأمور المشاهدة والحوادث المعاینة بأرض مصر؛ الإدریسی مؤلف أنوار علوی الأجرام فی الكشف عن أسرار الأهرام؛ مقریزی مؤلف المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار و... نام برد.

۱-۲-۷. تاریخ شهری - خاندانی (تاریخ خانوادگی)

یکی دیگر از انواع تواریخ محلی، تلفیقی از تاریخ یک خانواده یا خاندان و شهر محل استقرار آنهاست؛ به بیان دیگر، تاریخ‌های محلی مبتنی بر یک یا چند خاندان برجسته نیز از چشم‌اندازهای قابل ملاحظه در تاریخ‌نگاری محلی به شمار می‌آیند. محتوای این‌گونه آثار، نقش و تأثیر خاندان‌ها را بر بافت و ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی (آداب و رسوم و مردم‌شناسی و...) و علمی، فکری و مذهبی شهرها و محل‌های مختلف روشن می‌کند. افزون بر این، تبارنامه خانوادگی‌شان نیز قابل استنباط و بررسی است. از این‌رو، این‌گونه از تاریخ‌نگاری محلی در پیوند با تبارشناسی و علم انساب نیز هست.